

تصحیح دیوان عالی گیلانی و نگاهی به سبک زبانی و شعروی

۱ زینب ولی زاده فکلدهی
۲ ابوالفضل مرادی
۳ علی محمد مؤذنی

چکیده

عالی گیلانی از شاعران برجسته ی سبک هندی از خطه ی گیلان است. دیوان شاعر از حیث دارا بودن تشبیهات و صور خیال کم نظیر در میان اشعار شیعی حایز اهمیت است. عالی به دوره ی صفویه و دوره ی کم لطفی به ادیبان تعلق دارد. دوره ای که شاعران و سخنوران به دلیل بی توجهی شاهان صفوی به شاعران علیرغم میل باطنی رنج غربت را به جان خریده و راهی دیار هند می شوند. که این هجرتها سبکی را تحت عنوان سبک هندی به وجود می آورد. سبکی با تشبیهات فراوان و گاه دور از ذهن. شاعران برای خوش آمد پادشاهان هند به ماراتونی عجیب و غریب دست می زنند. عالی حدود بیست سال رنج غربت و غم ها را به جان می خورد و در پایان برای جاودان کردن اثر خود در زمان شاه عباس دوم به موطن خویش باز می گردد. ابیات نغز و لطیف شاعر مملو از ارادت قلبی وی به مولایش علی (ع) و پس از آن به خاندان مطهرش است.

کلید واژه: عالی گیلانی، نسخه خطی، دیوان، سبک هندی، ادبیات فارسی

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد خلخال. ایران. 1.nasim.valizadeh55@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان. ایران (نویسنده مسئول) Dr.amoradirasta@cfu.ac.ir

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ایران moazzeni@ut.ac.ir

۱- مقدمه

عبدالعلی همانطور که خودش در مقدمه ی کتاب خویش به آن اشاره کرده است در سن بیست و دوسالگی خوب شعر می گفت و چند بیتی نیز برای خود به صورت تک بیتی می سروده. و درست در همان زمان به دلیل عواملی چند رهسپار هند می شود.

چنان که شاعران هم عصر وی را متداول بود. و باز بنابر نوشته های خویش بیست سال در دربار جهانگیر شاه اعظم ، پادشاه هند خدمت می کرده عالی یک شاعر شیعی تمام و کمال است. شاعری شیعی متعصب به امامان دوازده گانه. عالی در محیطی متولد شده و رشد و نمو کرده بود که خاستگاه شیعیان علوی است. در زمان شاعر و پیش از او گیلان در زمره ی علویان اداره می شد (عظیمی، ۱۳۹۵) و با روی کار آمدن صفویان که شیعه را به صورت دینی رسمی اعلان نمودند این پیوند بین مسلمانان شیعه پیش از پیش محکم شد.

آنچه ما از میان ابیات متوجه شدیم تولد شاعر و جوانی وی باید با شاه عباس کبیر قرین باشد. شاه عباس با به حکومت رسیدن به طور مداوم درگیر سرکوب اغیار و متجاوزان بود. (رضایی، ۱۳۷۱) اما از سویی دیگر دربار گورکانیان هند مامن شاعران پارسی زبانی بود. که دچار بی مهری سلاطین بودند. عالی اما شاعری است که در هر کجا نام شاه عباس را با عظمتی هرچه تمامتر بر زبان می راند. از توصیف جنگ ها تا مجالس شراب.

چو آفتاب بود نور بخش و فیض رسان

سپهر کوکب عالم پناه شاه عباس

(عالی گیلانی، قرن ۱۱، ص. ۹، بیت ۱۶)

گرفته از دم شمشیر کشور از شاهان

خدیوهر ملایک سپاه شاه عباس

(همان ص ۱۰، بیت ۱۸)

بنابر همین دلایل و شاید ناملایمتی که از دوستان و هم عصران می بیند. غم هجران را بر مهر وطن ارجح می نهد. عالی شاعری لطیف و نازک دل است. دل تنگ عالی، از روزگار غدار بس گله ها دارد.

از ذوق کشت مطلب من زعفران دهد

گر چرخ کینه دار به بختم امان دهد

از فغان بلبلان یابم دل آسوده را

بوی آرامی ندیدم هرگز از رنگ گلی

(همان ص ۵۳، ب ۱)

جهانگیر شاه پادشاه هند هم عصر عالی شاعری ادب دوست بود که گویا به شاعر تلمطف داشته . عالی در چند نوبه نام وی رادر میان ابیات آورده است.

با جهانگیر زمان نور جهان بیگم ز عشق پادشاه هند بود و شهسوار جودلی

(همان ص ۴۴، ب ۱۷)

همانطور که پیش ازین اشارت شد عالی شاعر دوازده امامی است . معتقد به شریعت علی و خاندانش . شاعر بارها و بارها خود را کمینه بنده ی علی و اهل بیت می داند . اگر قرار است گرهی باز شود باید به دست امیر المومنین و خاندانش باشد . تعداد بی شماری از شاعران در خطه ی گیلان بودند و هستند که شیعه و مرید خاندان اهل بیت هستند اما نمی یابیم شاعری چون عالی با این حجم وسیع از اشعاری که در منقبت رسول و علی و فرزندانش سروده است . عالی با سرودن این اشعار لطیف و ر سا خود را یکه تاز عصره ی اشعار شیعی دوران صفوی کرده است . (براون، ۱۳۷۵) هرچند که شاید حوادثی چند در پرده ی روزگار نام وی را در ورطه ی فراموشی نهاده است . با مطالعه ی تک تک ابیات عالی آنچنان خواننده در میان منقبت های ر سا و لطیف غرق می شود که گذشت زمان را احساس نمی کند و تنها اربابان فصاحت و بلاغت می توانند این دنیای معانی و خیال را درک نمایند.

عالی بیچاره را از وطن آواره را آنکه شود رهنما کیست علی ولی

(همان ص ۱۸، ب ۳)

تا که باشد گلشن آباد و امامان برقرار در پناه آن چمن در هر بهاران می روم

(همان ص ۳۰، ب ۳)

عالی در سرودن این اشعار نغز و بی بدیل و غزلهای سراسر شور و اشتیاق از اصطلاحات عرفانی بهره ی کافی برده است . و در این بین برای استناد چه مثالی بارزتر از منصور عارف بزرگ و بر دار شدنش . خضر و جستجویش به دنبال آب حیات . اگر عالی با این مفاهیم آشنایی نداشت نمی توانست هیچ پیوند معناداری مابین کلام خود و عرفان برقرار کند . عالی اگر در زمره ی عارفان قرار نگیرد اما پیکره بند یک دیوان زیبا با مفاهیم عرفانی عمیق است . عالی علی (ع) را خضر زمان می داند . و توصیه اش به رهروان این است که بی پیر طریقت رهسپار نشوند .

علم و آداب و زندگی بخشند خضر دور زمان علیست علی

(همان، ص ۱۹، ب ۴)

پاسبان آستان اوست خضر زنده دل در پناهش از برای آب حیوان می رود

(همان ص ۳۱، ب ۴)

تقدیر بود و شورش منصور و پای دار

رمز قضا رسید و انا الحق بهانه ساخت

(همان ص ۱۱۱، ب ۴)

عالی مردی است از جنس سفر. او روح نا آرام و درد غربت چشیده اش را به گونه ایی در سفر آرامش می بخشد هر لحظه به درگاه خداوند دعا گویند است تا به مراد دل برسد. حال این محل آرامش می تواند گنبد خضرا باشد در مدینه و طوف کعبه و یا عراق باشد و نجف و حجاز برای شاعر شوریده ی از وطن جامانده هر جایی می تواند دنج و امن باشد و چه جایی بهتر از این مکان.

عالی از تجربه های بیابانیش صحبت می کند از خار مغیلان و محمل شتران. اعتقاد دارد برای رسیدن به در کعبه ی مقصود باید صادق بود

کرده ام طی بیابان از سر صدق و صفا رو به درگه شه آخر زمان آورده ام

(همان ص ۶۲، ب ۱)

از مردم عراق و حسد آنها و شط فرات می سراید. تا ذهن خواننده را با خصوصیات مردم عراق آشنا کند
حیات بخش وجود آب شط بغدا دست سواد شهریت او ظلم و بیداد است
خسیس و ناکس و دونند مردمش از حسد بزرگ و کوچک ایشان از نسل شداد است

(همان ص ۲۴۴، ب ۱۷)

عالی فرزند ساحل خزر و دریا ست. عالی بعد از هجرت در کشوری زندگی می کند که از سه طرف محصور آب های نیلگون است. کمتر غزلی یافت می شود در میان ایات که از کلمات دریا، موج، صدف، ساحل و مروارید صحبت نکرده باشد. همینطور او بیست سال از عمرش را در کشوری زیست که از سه جهت محصور آب های نیلگون است.

موج بحر دل به جوش آمد ز بیم سحر او دیده های خونفشان بر چهره چون جیحون کنم

(همان ص ۲۱۲، ب ۳)

هرگز نگشت معنی گیری به خاطر م در بحر موج فکر خود آسوده ایم ما

(همان ص ۵۴، ب ۱۲)

عالی بازی نرد و ابزار موسیقایی را خوب می داند و می شناسد. از اصطلاحات تخصصی آن در شعر به جا استفاده می کند. به عنوان مثال واژه ی ششدره شدن که در تنگنا فتادن حریف را گویند. (معین، ۱۳۸۰) شاعر خوش قریحه با توصیف و جاگذاری کلام ذهن خواننده را به بازی نرد می کشاند و چه حریفی قهارتر از دهر آنجا که عالی او را نرد دهر می خواند.

چرخ لعبت باز صد نرد عقب از کذب باخت عارفان از کعبتین راست ششدر داشتن

(همان ص ۲۶، ب ۸)

نراد دهر گشته عقب بار و مهره دزدید

ایمان خویش باخت ز بسیار باختن

(همان ص ۲۳۳، ب ۲)

طبع عالی در موسیقی هم حماسه ساز است. به گمانم وی از تمام دستگاه‌ها و قوانین و ظوابط موسیقی سر رشته دارد که اگر جز این باشد این اشعار و کلام موسیقایی از وی بعید است.

ز طبع موسیقی دانی عالی طرز می دانم که می سازد ز صوت معنی خود داستانی را

(همان ص ۴۶، ب ۱۲)

با تمام این احوالات و تبحر مانند همه ی اعصار خزان عمر شاعر فرا می رسد بدون اینکه بهره ی وافی از بهار حسن خود برده باشد

رسید فصل خزان و بهار حسن گذشت صفایی به چهره ی گلگون بیش ازین نیست

(همان ص ۱۸۴، ب ۳)

شاعر آزاده خاطر در زمان شاه عباس دوم به اجابت دعایش می رسد و به موطن خویش باز می گردد تا روحش در مامن خود به آرامش برسد. عالی باهوش می داند با نامگذاری کتاب به عنوان شاه است که دیوانش از گزند حوادث این روزگار در امان است.

نمودم عزم وطن می روم خدا حافظ

از صدق دل به طواف شه رضا حافظ

(همان ص ۸۴، ب ۱)

عالی به سجود شاه ایران آمد

چون مور به در گاه سلیمان آمد

ترتیب کتاب داده از دولت شاه

شد بنده ی و با نسخه ی دیوان آمد

(همان ص ۲۸۵، پ دو بیت)

دیوان شاعر به صورت دست نوشته ی خود عالی و تنها در یک نسخه ی خطی در مجلس شورای اسلامی وجود دارد. با اندکی اغراق می توان گفت سعادت است که این دیوان حفظ شده است و بیش از همه بر اهل گیلان. تا بتوانند از این طریق با زندگی و سبک شعری شاعر آشنا شوند. سبک شاعر سبک هندی است که سبک قالب عصر شاعر است

۱-۱: پیشینه ی تحقیق:

عالی گیلانی شاعری است با یک دیوانی وسیع از انواع قالب های شعری که به صورت یک مجموعه در کتابخانه ی مجلس نگهداری می شود. پیش ازین در هیچ کتاب و تذکره ای ازین شاعر نامی نیامده است. که این خود باز جای بسی تأمل دارد. حتی با بازبینی در آثار گذشته نیز نامی از این شاعر و یا دیوانش نیامده. تنها راهنمای این تصحیح دیباچه و ابیات آمده در میان دیوان است. این رساله قصد دارد با پرداختن به زوایای پنهان و آشکار زندگی این شاعر گیلانی افقی تازه در میان آسمان ادب باز نماید.

برای تحلیل و تفسیر ابیات تنها نسخه خطی اثر بارها مورد خوانش قرار گرفت. و مطالب به دقت تایپ شد. در ابتدا تمامی مطالب مورد ارتباط با زندگی شاعر که به صورت اشاره در دیباچه ی دیوان و یا از خلال ابیات یافت می شد، به دقت فیش برداری و مورد تحلیل قرار گرفت. که بخش مهم آن در پژوهش آمده است.

پس از تهیه فیش و تحلیل محتوایی اثر به نکات ادبی پرداخته شد. نسخه شناسی اثر هم شامل تحلیل و شرح و تفسیر فیزیکی نسخه و خوانش درست ابیات و همچنین توجه به رسم الخط و طرز نگارش نویسنده و تطبیق آن با دوره ی زندگی شاعر صورت گرفت. کلمات ناخوانا در نسخه با خوانش و قرینه یابی اصلاح و تفسیر گشت. در مرحله بعد به صنایع بدیعی استفاده شده شاعر پرداخته و نمونه هایی از دیوان ضمیمه می شود.

۱-۲: روش تحقیق

یافتن نسخ خطی دیوان عالی گیلانی در حد توان از مجموعه ی فهرست های کتابخانه های داخل و خارج کشور که تنها با کوشش فراوان و مراجعات بسیار یک نسخه در کتابخانه مجلس یافت شد. شناسایی نسخه های اصح و اقدم و نسخه های دیگر که از روی آن ها استنساخ شده است که باید در این صورت به روش های علمی که شامل التقاطی، قیاسی و... است عمل شود. اما این نسخه تا کنون به صورت تک نسخه اعمال شده است و تصحیح آن به صورت قرینه یابی از ابیات و کلمات دیگر انجام شده است.

گریزی بر سبک هندی :

سبک هندی یکی از چندین سبک رایج در میان شعرا و نویسندگان ادب پارسی است. که از قرن نهم بعد از آن به بعد پس از افول سبک عراقی بروی کار آمد. دودلیل پیدایش این سبک عدم توجه شاهان صفوی به شاعران و نویسندگان مدیحه سرا و بلعکس تشویق شاهان دربار هند و دلیل دوم عدم درآمد از شعر مدحی باعث شد که شاعران جهت امرار معاش یا ثروت اندوزی به دربار هند روی آورند شاعران که از مهد ادب و زبان فارسی دور شده اند برای بدست آوردن قدرت و نمایش گذاشتن هنرهای خود در خلق عناوین و کلام تازه در محیط فرهنگی اجتماعی هند سبکی را به وجود آوردند که به سبک هندی شهرت پیدا کرد (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۷۴) (صفا، ۱۳۸۹)

۲: اهمیت و جایگاه شعر عالی :

آنچه موجب اهمیت شعر عالی و دیوان وی می باشد؛ پرداختن به مضامین شیعه و اشاره و ارادت بی ریای وی به امامان است.

عالی را می توان از سرآمدان شعرا و مدیحه سرایان اهل بیت در بین قرون ده تا سیزده به شمار آورد. در هیچ کدام از منابع به دیوانی بر نخواهیم خورد که این حجم و سیع مضمون و کلام بکر را به زیباترین شیوه ی موجود در یک دیوان گنجانیده باشند.

نظم و کلام عالی چون دانه های دُر در کنار هم به سان رشته ایی چیده شده است. عالی تمامی قالب های شعری اعم از قصیده،

غزل، دوبیتی، مثنوی و رباعی را در رثا و منقبت اهل بیت به خدمت می گمارد. و گریزی به مسایل عاشقانه و صحبت از مهر بتان و زلف یار خواننده را از یکنواختی خارج می کند. گاه ما را به میان گلستان و گاه در میان غزلهای حافظ و قصاید عراقی می کشاند.

عالی اگر از نرد و موسیقی سخن به میان می آورد هدفش نشان دادن تبحرش نیست بلکه تمام این ابزار را برای بهتر و سهل بودن اشعارش به کار می گیرد. او می خواهد ذهن خواننده را به چالشی زیبا بکشد تا در میان ابیاتش روابط را بیابد.

۲-۱: ویژگی های سبک هندی

الف: تک مصرع: ساختار سبک هندی همانطور که دکتر شمیسا می گوید بر پایه ی تک بیتی استوار است. نه در غزل «قالب شعر در سبک هندی تک بیت است نه غزل، منتها این ابیات با نخ قافیه و ردیف به هم متصل شده و شکل غزل یافته اند» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۷۶) برای این ادعا عالی در مقدمه ی دیوانش می گوید: «هر بیت بنده چهار پنج تنا سب لفظی و سه چهار استعاره دارد هر بیت معنای معنای جداگانه ایی دارد» (عالی گیلانی، دیباچه: ۸).

سبک هندی پیوندی است بین مصرع معقول و محسوس شعر. به قول شمیسا مصرع اول گرچه می تواند تقلیدی و تکراری بیان شود اما شاعر موظف است در مصرع دوم دست به ابتکار زده و مفاهیم جدید و بکر را وارد چارچوب شعر نماید. برای پیوند میان این دو رابطه چه صنعتی بهتر از تشبیه که بتواند ایفای نقش کند. اما با تمام شدن تشبیهات سهل الوصول شاعر سبک هندی به مفاهیم سخت و تشبیهات دور از ذهن می رود بدیهی است اشعار رو به سختی و دیر فهمی گرایش پیدا می کند. شاعر سبک هندی مضمون را بر موضوع برتری می نهد. در این سبک شاعر به خیال پردازی افراطی روی می آورد و برای بهتر شدن اشعار اغراق را به خیال و توهمات پیوند می دهد.

در ساخت بنا و شالوده ی اشعار به سبک هندی این گروه های مردم هستند که دخیلند ایشان تجربیات و فرهنگ خود را در مصراع می که محسوس است به اشتراک می گذارند. به عنوان مثال این شعر از بیدل دهلوی از تجربیات شخصی شاعر در امور کشاورزی حکایت دارد.

افتادگی آموز اگر طالب فیضی
هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

(بیدل دهلوی، ۱۳۹۲)

شاعر تمام تلاش خود را به کار می گیرد تا تجربیات و تصاویر شخصی خود را از دل مفاهیم و مضامین به صورتی بدیعی و نو خلق کند و شاید به همین دلیل است که با جزئی ترین مسایل روزمره ی خود، الهامات و توهمات درونی خویش بهترین مضمون ها را خلق می کند.

ب: ابهام: شاعر سبک هندی با ایجاد پیوند در بین مصرع محسوس و معقول ابزاری چون تشبیه را به کار می گیرد اما با تمام شدن اصطلاحات ساده ی تشبیه به سراغ مفاهیم دوراز ذهن و عجیب می رود که این به صعب بودن مفاهیم شعری دامن می زند.

«شاعران در ورطه ی تعقید و ابهام و اغراق فرو غلطیدند» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۸۱) بیدل نماینده ی این گونه اشعار است. در سبک هندی با دونوع شاعر مواجه می شویم "دسته ایی که به قول شمیسا شاعرانی با تشبیهات و مضامینی معتدل که در ابیات آنها به سبک قدما ارتباط و وحدت موضوعی برقرار است. «شعر کم و بیش وحدت موضوعی یا ارتباط عمودی دارد» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۸۱).

این شاعران را باید دنباله رو غزل حافظ و بابا فغانی دانست. و گروه دوم که شاعرانی غیر آشنا هستند سبک هندی را به افول و انحطاط نزدیک نمودند. این شاعران مفاهیم را در یک تک بیت قرار داده و رابطه ی بین دو مصرع را برای ذهن خواننده بسیار سخت نمودند. بیدل دهلوی و بخاری از این گروه اند. عالی بدون هیچ گونه تاملی در گروه اول قرار دارد هموست که در مقدمه ی دیوانش می گوید: «از طرز معانی بابافغانی و استعاره مولانا عرفی می باشد» (عالی گیلانی، قرن ۱۱، ص.

دیباجه ص ۸) انسجام و تحکم معنایی که در بین ابیات عالی به چشم می خورد غیر قابل انکار است اگر مبنا بر توحید باشد این مضمون در سرا سر ابیات دنبال می شود. صایب تبریزی، عرفی، بیدل دهلوی از شاعران به نام سبک هندی محسوب می شوند.

۳- معرفی نسخه ی خطی :

این پژوهش بر اساس تک نسخه ی موجود در مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. این نسخه باقیمانده ی دست خط خود عالی به صورت خط نستعلیق بسیار روان و شیوا است. این کتاب توسط تیمسار سر لشکر مجید فیروز [ناصرالدوله] به کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی اهدا شد. شماره تخصصی ۳۴۴ از کتب خطی است. مولف کتاب عبدالعلای گیلانی تخلص عالی می باشد. شماره ثبت ۵۴۷۱ می باشد و در جلد ۲۱ فهرست نسخه های خطی مجلس به شرح زیر معرفی گردیده است: تاریخ کتابت قرن ۱۱ رحلی. ۳۱*۱۷ سم. ۶۵۰ ص. ۱۹ سطر. (حایری، ۱۳۹۱، ص. ۹۲، ج ۲۱)

(دیباجه): بسم الله الرحمن الرحيم/ مالک ملکی و خدای کریم.. بعد بر دانایان حقوق معنی مخفی نماند که این حقیر فقیر طبع معنی را ... به ذکر توحید کونی و از نعمت حضرت رسالت پناه..

آغاز: (قصاید) تازه می گوید زمین طبع نظم آرای من/ سر زند صد غنچه فکر از لب گویای منبشکفتد چون گلبن نطقم به سان نوبهار/ رنگ و بو یابد نسیم صبح از گلهای من. نوع خط: نستعلیق، تزئینات نسخه: دارای سه کتیبه و صفحات مجدول به زر و لاجورد و شنگرف. نوع کاغذ: اصفهانی. تزئینات جلد: تیماج زرد ترنج دار دور منگنه. یادداشت مربوط به نسخه: سه برگ اضافی آخر، غزلیاتی با تخلص عالی به چلیپا نوشته شده که در این دیوان نیست [نخست، دو بیت آخر از غزلی است و بعد غزل های دیگر و همه تا پایان کامل است. و چنین پیداست یک یا چند برگ از اول این بخش چلیپا افتاده است. دو بیت نخست:

ملک ز کوبه خود سپاه دولت داشت قصا ز فتح و ظفر داده نوب عملش

ز طرز معنی طبع سخنوری عالی حیات بخش زبان است چون مسیح دمش

و مطلع غزل بعد: نگار در پی جام شراب می گردد / به نیم جرعه زخمش آفتاب می گردد (حایری، ۱۳۹۱: ۹۲ ج ۲۱)

این دیوان (به نوشته دیباجه) دوازده هزار بیت است که مولف آن را از بیست هزار بیت خویش برگزیده و به ترتیب الفبایی در این دیوان گرد آورده است. و این در زمان جلوس شاه عباس دوم صفوی است بر تخت سلطنت و در پایان دیباجه قصیده ای نیز به این مناسبت دارد. چنانکه از مقدمه دیوان به دست می آید عالی گیلانی تا سن ۲۲ سالگی شعر نسوده جز گاهی «یکه بیتهی که طبع از او راضی می شد» در این وقت به هند رفت و «مدت بیست سال در هند به خدمت نوکری و منصب داری در ملازمت پادشاه عرش آشیان... نورالدین جهانگیر پادشاه می بود و همیشه در صحبت سخن وران و دانان به... فیض می برد

و طبع راضی گفت و گوی (معنی سرودن شعر) نمی شد و مدام به خاطر می رسید که... هر گاه به درجه اعلیٰ برسد و به روش شیخ فیضی و بابا فغانی و ملا عرفی خواهد شد... متکلم می توان گشت» تا این که قصیده‌ای در مدح مولی علی (ع) سرود و آن حضرت را به خواب دید و در خواب چهار بیت [در مقدمه تنها یک بیت (مطلع غزل) را نقل می کند و این است آن بیت: خجل بود ز جمال تو آفتاب هنوز / که می رود همه شب در پی نقاب هنوز] در برابر آن حضرت سرود و چون بیدار شد آن ابیات را تکمیل کرد و غزلی ساخت «و بعد از آن رتبه سخن فقیر مراتب یافت و فکر در پی تازه‌گویی شد و طبیعت از طرز تناسب لفظی بابافغانی خوش دل شد و استعاره عرفی را پسندید و هر دو زمین را یکی ساخته به جایی رسانیدم که هر بیت بنده چهار پنج تناسب لفظی و سه چهار استعاره دارد در اینجا به تفصیل، نکات مهم و امتیازات شعر خود را بیان داشته و گوید: «در کلام فقیر در غزل به بیتی بیست تناسب لفظی با چند استعاره موجود است الحال این طرز... زمین تازه شد» دنبال این سخن را به موسیقی رساند و گوید: «موسیقی دانی را... به ترنم نمایی به اوج گردون رسانیده چنان که قصیده‌ای در ردیف عراق» [این قصیده را در پایان مقدمه آورده است:...

به خنده آب حیاتند دلبران عراق	به حسن، حور صفاتند دلبران عراق
ز آهوان خطا مشک و زعفران عراق	نمونه‌ای بود از زلف و بوی مه رویان
که شاه هر دو جهان است کامران عراق	جهان پناه سلیمان اساس شاه عباس

در دوازده مقام و بیست و چهار شعبه و شش آواز و چهار نغمه دیگر که بیرون از این جاست در صفات... شاه عباس گفته.. و تصنیف‌های مکرر در پنج نغمه زمزمه نموده «... این دیوان (هم چنان که در دیباچه نیز گوید) شامل قصیده، غزل، ترجیع‌بند و مثنوی و رباعی است و در قصیده کمتر تخلص در بیت آخر دارد و یا ندارد. غزلی در یاد از آستانه سید جلال‌الدین اشرف در گیلان دارد که نسبت او را به گیلان آشکار می‌دارد. اینک چند بیت از آن غزل:

امیر کشور گیلان جلال دین اشرف	که هست سید آنان و سرور و اشرف
شریف دهر بود لاهیجان ز مقدم او	که خاک درگه او هست بر جهان اشرف
ز طوف درگه او دور مانده‌ام یا رب	رسان مرا به در آستانه اشرف

[این غزل قافیه منظمی ندارد و معلوم نیست که قصور از کاتب است یا از شاعر

توجهی کند ار شاه اشرفم ز کرم
 رسم ز همت عالی به مسکن اشرف
 از پاره‌ای از ابیات قصاید به دست می‌آید که شاعر از هند به ایران بازگشته و این دیوان را به مناسبت جلوس شاه عباس ثانی ترتیب داده است. (درایتی، ۱۳۹۱: ۵۷۰)

۴-ویژگی های زبانی:

۴-۱: زبان و لحن عامیانه :

بارزترین مشخصه ی سبک هندی استفاده از زبان عامیانه است. پیش ازین اشاره شده که از قرن دهم به بعد شعر از دربار و مکاتیب فاصله گرفته و در میان کسبه و بازاریان و عامه ی مردم با هر شغل و حرفه ایی رواج یافت و این مردم عادی بودند که شالوده ی ابیات را از تجارب و زندگی روزمره ی خویش می ساختند. بدین جهت اشعار و ابیاتی که پیش ازین در میان بزرگان خوانده می شد

در بین اجتماع مردم رواج پیدا کرد. پس دیگر نشانی از زبان فاخر نیست چرا که باید به نحوی باشد تا قابل فهم برای مردمی باشند که زندگی روزمره ی خود را به ساده ترین شکل دنبال می کردند. دیگر نشانی از زبان فاخر سبک خراسانی و یا عراقی نیست. زبان در یک سرایشی قرار می گیرد. و گاهی اشعار چنان به سستی و افول نزدیک می شود که از لحاظ ساختار نحوی به اشکال بر می خورد.

اما از طرفی این عامیانی باعث می شود که تجربیات و عواطف عامه ی مردم در آن شریک باشد و کمال یابد. و درست همین سرودن به زبان عامیانه است که شعر را از حوزه عرفانی به تدریج خارج کرده است. شاعری که تا پیش ازین به دنبال معشوق آسمانی بود ازین پس به معشوق زمینی نیز می اندیشد. و در عالمی جدای تخیل او را در بر دارد. عالی از معشوقش به صراحت یاد می کند از رنگس مستش که قلبش را تسخیر کرده تا کفر زلفش که دین ایمانش را ربوده است. گاه از بی وفایی خوب روی کشمیری می نالد و گاه گلرخان عراق را بی مثال می داند.

به دام طره ی زلفش فتاده دین و دلم گرفته دل سر زُنار کفر هندو را

(همان: ۵۹)

اگرچه گروهی معتقدند این عامیانی سبب رکود و سستی شعر در سبک هندی شده است اما جناب زرین کوب عقیده ایی متفاوت و قابل تامل دارد. «انتقال شعر از حوزه ی نفوذ اهل مدرسه به حوزه ی نفوذ اهل بازار، بر خلاف آنچه شاید در ابتدای امر به نظر می آید از لحاظ ابداع آفرینش ادبی به هیچ وجه متضمن انحطاط و رکود نگردید. سبک تازه با آنکه با سنت های قدما و اهل مدرسه قطع ارتباط کرده بود غالباً حاکی از نوعی تحرک در جهت واقع گرایی و تجدید عهد با زندگی واقعی بوده نوعی واقع گرایی تصعید یافته یا تلطیف شده» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۴۱).

۴-۲: خیال بندی و نازک اندیشی:

یکی از مهم ترین ویژگی های سبک هندی خیال بندی و نازک اندیشی است. شاعر سبک هندی تمام تلاش خویش را به کار می گیرد تا از موضوعات بهترین و کامل ترین مضمون ها راباسازد و در این رابطه از تخیل و معانی برجسته استفاده می کند. به گفته ی شمیسا «فکری جزئی اما تازه و نگفتنی» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۸۹). در این سبک از لحاظ فکری تغییری صورت نگرفته بلکه آنچه بیان می شود مضمونی تازه با همان موضوع اما به روشی جدید و نو ارائه می شود.

پیش ازین در مورد سبک و شاعران آن گفته شد که دوگروه شعرا در این سبک دیده می شد گروه اول را که سهل و آسان شعر می سرودند به گروه معتدل از قول شمیسا معروف شدند. اساس کار این گروه مبتنی بر تمثیل بود. شاعر سبک هندی همه یتلاش خود را به کار می گیرد تا بتواند خیالی خاص را ارائه دهد این نازک خیالی بیش از همه مورد توجه شاعران پارسی گوی هند واقع شد. اما همین نازک خیالی در قرن دوازدهم و بعد از آن به دور خیالی و زیاده روی در آوردن خیالات پیچیده که از ذهن خواننده دور بوده گرایش پیدا می کند.

اشعار لطیف و نغز عالی پر از خیالات زیبا ست که به صورتی راحت و دست یافتنی مخاطب خود را منادا قرار می دهد. در خیالات خویش معشوق را می ستاید و درد دل می کند. در منقبت و مدح مولایش علی تا حوض کوثر پیش می رود. و جام می از کف علی (ع) می خواهد. در میان اشعار عالی خیالات و نازک اندیشی در میان غزلیات بیش از باقی قالب ها به چشم می خورد.

من آن روزی که افکندم نظر آن روی زیبا را به خون دل پریشان دیدم از آن زلف چلیپا را

(عالی گیلانی، قرن ۱۱، ص. ۶۴. ر بیت ۷)

۳-۴: تلمیح:

عالی از آرایه ی تلمیح در اشعار خود بارها و بارها استفاده کرده است. اگر قرار است در منقبت و رسای حضرت علی صحبت کند معجزات وی را برای سندیت کلام خویش به نظم می کشاند. در واقع شاعر سبک هندی با توجه به تلمیح می خواهد که اشعار و ابیاتش را گسترش دهد.

- تلمیح به معجزات حضرت علی:

آن پردلی که در صف جنگ عدوی دین فکنده ز خیبر و کشور گشا علیست

(همان ص ۱۳، ب ۷)

- تلمیح به معجزه کشتن ازدها توسط حضرت علی در کودکی

در گهواره کشت ز انگشت ازدها اعجاز ز طفلیت شده در نام حیّه در

(همان ص ۶۲، ب ۱۵)

- تلمیح به داستان خضر:

گر تشنه لبم نظر به دریا نکنم رو بر طرف خضر و مسیحا نکنم
آزاد مراد خویش می باشم با چرخ ز گفتگو تمنا نکنم

(همان ص ۲۷۵، ر دوبیتی)

- تلمیح به منصور و بردار شدنش

تقدیر بود شورش منصور و پای دار

رمز قضا رسید و انا الحق را بهانه ساخت

(همان ص ۱۱۱، پ ب ۵)

۴-۴: تشبیه :

بیشترین آرایه ی ادبی استفاده شده در دیوان عالی تشبیه است . تشبیهات وی گاه بسیار ساده و سهل و گاه رو به دشواری می نهد . بروی هم عالی از انواع تشبیه گویا تشبیه بلیغ و یا همان اضافه ی تشبیهی را بیشتر برای پیشبرد اهدافش مناسب دانسته . عالی برای ملموس شدن ابیات و کلامش از تشبیهات به گونه ایی استفاده کرده است که مخاطب پسند باشد .

- تشبیه ساده :

دیدم ز مهر چهره ی آن دلبر بلا

چشمش سیاه مست و لبش ساغر بلا

(همان ص ۶۲، ب ۱)

- تشبیه بلیغ:

از رنگ و بوی طبع دارم گل بی خارها

دارد بهار معنیم در سرزمین گلزارها

(همان ص ۶۲، ب ۱۰)

گلبن طبعی که دارم در گلستان دیگرست

بلبل معنی ما را آشیان دیگرست

آن دلبرم زحسن چو خورشید عالمست
شاهنشه منور جمالش مسلم است
(همان ص ۱۰۶، ب ۸ و ۹)

۴-۵: استعاره :

بعد از تشبیه دومین آرایه ی پر کاربرد استعاره است . انواع استعاره در بین ابیات و کلامش می درخشد اگر تشبیه هایی باید آورده شود بعد از ان گویا خود را ملزم می داند که از صنعت استعاره نیز استفاده کند . البته وی در مقدمه ی دیوانش صراحتا به این نکته اشاره کرده که در بیت تشبیه و استعاره را به کار برده است .

چه رمزهاست که در لوح سینه ام رقمست

هزار صورت معنی ز نقش یک قلمست

(همان ص ۹۸، ب ۱۰)

فکند شیوه ی عشق تو در هراس مرا

چورست ، کِشت غمش داد زیر داس مرا

(همان ۶۶، ب۱۱)

گر سر کنم از سوز دل مرغوله وار آواز را

از نغمه در رقص آورم رگهای تار ساز را

۵- ویژگی های فکری (عامیانگی)

از خصوصیات سبک هندی عامیانه بودن و نزدیک بودن شعر به عامه ی مردم است . عالی نیز از این امر مستثنا نیست .

- شیعه دوازده امامی :

خدایش در همه حال از بلا نگهدارد

به حق چهارده معصوم و مومنان عراق

(همان ص ۱۲ ب۱۳)

مدام دولت جاوید باد و بخت بلند

به حق نبی و علیّ و معصومان

(همان ص ۱۰ ب۱۱)

- جبر گرایی شاعر :

قضا از ازل کرده این سرنوشت

بود بخت و اقبال تقدیر بنده

(همان ص ۱۳۴، ب۸)

تقدیر بود شورش منصور و پای دار

رمز قضا رسید و انا الحق را بهانه ساخت

(همان ص ۱۱۱، ب۵)

- نارضایتی شاعر از مردم زمان خود :

قرنی گذشت و عمر ز نابود و بود خویش

نامد به فعل مطلب این چرخ چنبرم

(همان ص ۲۰، ب۱۳)

رحم و مردانگی نیست یاران و دوستان را

دارد صفات نیکم خرسند دشمنان را

(همان ص ۵۵، ب۱)

- حب وطن و زادگاه :

بلبل افتاده دور از گلشن گیلان خویش

می خروشم زار در هند از غم ماوای من

(همان ص ۱۲، ب ۱۴)

رنگ فردوس است از خوبان و گلزار چمن

رنگ و بوی نوبهار گلشن گیلان ما

(همان ص ۶۴، ب ۶)

- زخم زبان شنیدن شاعر:

بس که ز هر زبان غم خوردم

ننگ زهر از زبان مار افتاده

(همان ص ۱۵۰، ب ۶)

- عشق و تسلیم شاعر:

ای دل اسیر شدی جان به یار بخش

دین را به کفر زلف نگار بخش

(همان ص ۱۷۷، ب ۶)

نتیجه گیری:

عالی گیلانی از شاعران سبک هندی است که در دوران صفویه بی شک جز شاعران بی منازعه شیعی دوازده امامی از خطه ی گیلان می باشد. براساس نظام حاکم در دوره ی شاعر، عالی چون دیگر شاعران هم عصر خود و پیش از خود راهی سرزمین هند می شود که به پارسی گویان احترام خاصی گذاشته می شد. سبک شاعر سبک هندی است که در از انواع تشبیهات به صورت خیال انگیز استفاده می شده. شاعر سبک هندی برای باز گویی خیالات خود آنقدر به تشبیه روی می آورد که پس از به پایان رسیدن کلمات و ترکیبات سهل به ناچار به سمت ترکیبات سنگین و دور از ذهن روی می آورد. از دیوان عالی تنها یک نسخه در مجلس شورای اسلامی است. دیوان وی شامل قصاید، غزلیات، مثنوی، دوبیتی و انواع ترجیع بند است. عالی شاعری است که مدایح وی در کنار غزلیات عاشقانه اش به خوبی ایفای نقش می کند. عالی پس از بیست سال خدمت در بارگاه هندو ها در حالی که همیشه از درد غربت می نالید در زمان شاه عباس ثانی به ایران باز می گردد و کتاب خود را برای مصون بودن و شاید شهرت به نام شاه عباس می کند.

منابع

- احمدزاده کلور، سعید. (۱۳۹۳). تصحیح انتقادی دیوان شهیدی قمی و سبک شعری او. بساتین، شماره ۲، ۱۷۵-۱۹۴.
- احمد نژاد، کامل (۱۳۸۲). فنون ادبی، تهران: آگاه.
- براون، ادوارد. (۱۳۷۵). تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر ترجمه ی دکتر بهرام مقدادی. تهران: مروارید.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر. (۱۳۹۲). دیوان شعر. تهران: شابک.
- پور نامداریان، (۱۳۸۱). تقی سفر در مه، تهران: نگاه.
- حایری، عبدالحسین. (۱۳۹۱). فهرست نسخه های طخی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱). فهرستگان نسخه های خطی ایران- فنخا. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رضایی، ع. (۱۳۷۱). تاریخ ده هزار ساله ی ایران ج ۳. تهران: اقبال.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). از گذشته ادبی ایران. تهران: سخن.
- زنجانی، برات. (۱۳۸۸). صور خیال در خمسه نظامی، تهران: امیرکبیر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). سبک شناسی شعر، تهران: میترا.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۹). تاریخ ادبیات ج ۴. تهران: شابک.
- عالی گیلانی، علی (قرن ۱۱). دیوان اشعار. لاهیجان: نسخه ی خطی.
- عظیمی، ناصر. (۱۳۹۵). تاریخ گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
- علوی مقدم، محمد و اشرف زاد، رضا (۱۳۸۹). معانی و بیان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، سمت.

قره داغی کراله، فریبا و حسین خسروی. (۱۳۹۶) / بررسی تشبیه در دیوان انوری، سبک شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۳۵، ۲۲۹-۲۴۷.

معین، محمد. (۱۳۸۰). فرهنگ لغت. تهران: امیر کبیر.

میر، محمد و شکیبایی، لیلا. (۱۳۹۴). جایگاه تشبیه در دیوان زیب النساء مخفی هندوستانی، سبک شناسی نظم و نثر، شماره ۳، ۳۵۳-۳۷۴.